فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی (دوره جدید)

شماره ۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

اثر بن‌مایه‌های حقوق تجارت بر تکثر تعاملات و روابط فراگیر بین‌المللی

فاطمه طهماسبی[۱]

چکیده

احترام و مراعات قوانین در گستره موازین حقوقی مربوط به دادوستد بین‌المللی همواره به عنوان یکی از اصول مهم سازمان تجارت جهانی تلقی گردیده است. بررسی رویکرد سازمان تجارت جهانی می‌تواند ابزارها و رویه‌هایی که این سازمان جهت بلوغ و تکامل این اصل مدنظر قرار داده است را تبیین نماید. به دلیل اهمیت خاص این موضوع، هدف پژوهش جاری ارائه پاسخی مناسب برای این مقوله اثر ضمانت اجراهای قوانین تجارت در تحقق اهداف سازمان تجارت جهانی با رویکرد عضویت دولت‌ها در آنها، خواهد بود. گفتنی است که روش پژوهش در این پایان‌نامه به صورت تحلیلی-توصیفی و همچنین روش گردآوری اطلاعات در قالب مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج بیانگر آن است تقریبا در تمامی موافقتنامه‌های این سازمان شاهد مقرره‌ای پیرامون تضمینات و الزامات اجرای قوانین هستیم و در واقع، اصل پایبندی به قانون فرایندی در حال تکامل و رو به رشد داشته و سیر این تکامل، بنحوی بوده است که به عنوان مبنایی جهت تغییر در ساختار این سازمان مدنظر قرار گرفته و این امکان را فراهم آورده است که بر اساس آن تلاش‌هایی جهت اصلاح فرایندهای ایجاد خط مشی‌های تجاری در سیستم داخلی اعضا، صورت پذیرد. همچنین تبیین گردید که شفافیت می‌تواند به موتور محرک کشورها در افزایش حجم معاملات تجاری و بازرگانی، استفاده از قوانین رقابت مطابق با حقوق بین‌الملل، استفاده از ظرفیت‌های حمایت از محصولات و کالاهای اختصاصی و مالکیت آنها در سراسر جهان و همچنین در صورت بروز اختلاف، از پتانسیل نهاد داوری نیز استفاده نماید. همچنین مراعات الزامات قانونی قراردادهای مذکور و تضمینات اجرای آنها سبب خواهد شد که دولت‌ها به مراتب با سهولت بیشتری به عضویت نهادها و سازمانهای زیرمجوعه سازمان تجارت جهانی درآیند.

کلمات کلیدی: سازمان تجارت جهانی، الزامات قراردادها، روابط فراگیر، موافقتنامه‌های بین‌المللی

[۱] دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد گروه حقوق، گرایش حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد واحد مشهد (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

مقدمه

مزایای به کارگیری اصول اساسی تجارت ذیل قوانین آن در گستره بین‌الملل، سبب شده است که این اصل، در سیستم‌های حقوقی از جایگاه بالایی برخوردار باشد. با آنکه ریشه‌های اصل رعایت قوانین و تنویر دقیق آن را باید در حقوق داخلی جستجو نمود، اما این اصل در سده‌های اخیر، در حقوق بین‌الملل نیز وارد شده و آن را متأثر ساخته است. با این حال، باید در نظر داشت که به واسطه ویژگی‌های خاص حقوق بین‌الملل، اصل شفافیت، نتواسته است بر تمامی عرصه‌های آن تأثیر یکسانی داشته باشد، به نحوی که با کمی اغماض می‌توان گفت؛ شفافیت در همهٔ عرصه‌های حقوق بین‌الملل امکان تجلی نیافته است. با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل، تبلور واقعی و عملی اصل شفافیت در معنای قاعده حقوقیِ دارای سطحی از الزام و ضمانت اجرا، بیشتر در عرصه حقوق بین‌الملل تجاری بوده است. در این رشته از حقوق نحوهٔ مذاکرات برای حصول توافق، نهادهای حاکم بر توافق، یا نحوهٔ حل و فصل اختلافات مدنظر خواهد بود تا به کمک از پتانسیل‌های حقوقی موجود، بتوان بر این چالش‌ها فائق آمد.

سازمان تجارت جهانی[۱]، به طور رسمی از ابتدای سال ۱۹۹۵ متولد شد. این سازمان در واقع جایگزین و ادامه دهنده وظایفی شد که تقریبا پنجاه سال به عهده گات[۲] بود. هدف اساسی گات و سازمان تجارت جهانی، توسعه و بهبود همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، تقویت اقتصاد جهانی، ایجاد ثبات اقتصادی، رشد و توسعه از طریق تجارت آزاد و منصفانه بین کشورهاست.

مفهوم شناسی

سازمان تجارت جهانی محلی است برای کشورهای عضو که مسائل و مشکلات تجاری خود را مطرح و برای آن راه حل پیدا کنند. وقتی کشورها با موانع تجاری در کشورهای دیگر مواجه می‌شوند، سازمان محل مناسبی است که این مشکلات را مورد مذاکره قرار داده و قبل از فراگیر شدن آنها نسبت به حل آن اقدام کنند. این مذاکرات ممکن است به مذاکره موافقت‌نامه‌های جدید و یا کاهش موانع تجاری و تعرفه‌های گمرکی منجر شود. موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مجموعه‌ای از اصول و مقرراتی است که کشورهای عضو را ملزم به تنظیم سیاست‌های تجاری خود در چارچوب آن اصول و مقررات می‌نماید. کشورهای عضو موظف‌اند قوانین و مقررات و سیاست‌های تجاری خود را به صورت شفاف منتشر نموده و در اختیار عموم قراردهند. این امر به سایر کشورهای عضو اطمینان می‌دهد که از اصول و مقررات سازمان عدول نشده و به تجار و شرکت‌های تجاری اطمینان می‌بخشد که با تغییرات ناگهانی در سیاست‌های تجاری مواجه نخواهند شد و می‌توانند برای دراز مدت برنامه ریزی کنند. سازمان تجارت جهانی، محلی است برای حل‌وفصل اختلافاتی که در اثر تعارض منافع بین کشورها بروز می‌کند. همچنین موافقت‌نامه‌ها و اسناد لازم الاجرا معمولاً نیاز به تفسیر دارند. سازمان یک روش بی‌طرفانه، منصفانه و هماهنگی حل‌وفصل اختلافات را پایه ریزی کرده و کشورها را پایبند نموده که اختلافات خود را از طریق آن سازمان حل‌وفصل نمایند(شیروی، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش

---

[۱] World trade organization(wto)

[۲] General agreement ontariffs and trade(gatt)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

کدخدایی و همکاران(۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «چالش نظام حقوقی ایران در مواجهه با آثار قهری معاهدات بین‌المللی و عدم ترتب اثر حق شرط در آنها» بیان می‌دارند که جلوهٔ آشکار نظام معاهداتی کشور خود را در طنین نظرات و تصمیمات مجلس شورای اسلامی یا شورای نگهبان در پذیرش یا رد موافقتنامه‌های بین‌المللی نمایان می‌سازد. چنانچه بر وسعت و عمق نگاه حاکم بر این فرایند افزوده شود، چندین ابهام مکنون در مضامین حقوق اساسی را می‌توان متوجه کشور دانست که هر یک به مثابهٔ تهدیدی بر امنیت و منافع ملی سایه می‌افکند. از یک منظر معاهدات بین‌المللی می‌توانند آثاری را قهراً بر دایرهٔ تعهدات فراملی کشور تحمیل کنند بدون آنکه مورد پذیرش نظام داخلی کشور قرار گرفته باشند و از منظری دیگر به علت فقدان سازوکار نظارتی احتمال مغایرت در مفاد تصویب شدهٔ داخلی و خارجی وجود دارد. نوشتار پیش رو با روش تحقیق توصیفی تحلیلی به تبیین خلأ موجود در نظام معاهداتی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. آنچه در این تحقیق از نظر گذرانده می‌شود لزوم تدوین نظام کنش و وا کنش در رویهٔ بین‌المللی کشور و همچنین تهیهٔ سازوکاری جهت اطلاع نهادهای ذیصلاح از فرایند پساتصویب معاهدات بین المللی است تا بتوان آثار قهری و مکتوم معاهدات را به حداقل رساند. در همین راستا نیز باید گفت که زمانی و همکاران(۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «جایگاه اصل شفافیت در حقوق بین‌الملل اقتصادی» اذعان می‌دارد که شفافیت در حقوق بین‌الملل اقتصادی به معنی قابلیت دسترسی به اطلاعات و آگاهی از تصمیمات بازیگرانی است که در مناسبات اقتصادی بین‌المللی مشارکت دارند. هرچند در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل اقتصادی می‌توان موضوع شفافیت را ملاحظه کرد، همواره در خصوص ماهیت آن تردید وجود داشته است. اینکه چه میزان از خصوصیات یک اصل حقوقی الزام‌آور در مورد شفافیت صدق می‌کند، جای سؤال است. این مقاله طی بررسی توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد که شفافیت به‌عنوان یک اصل، از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل اقتصادی است که توانسته است در رویه‌های دولت‌ها و مراجع بین‌المللی نیز رسوخ کند. همچنین از تمامی خصوصیاتی که برای یک اصل حقوقی برشمرده می‌شود، برخوردار است. ازاین‌رو به‌نظر می‌رسد این اصل را می‌توان در موضوعات مختلف حقوق بین‌الملل اقتصادی شامل حقوق سرمایه‌گذاری، حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل پولی و مالی به‌عنوان یک اصل موجد تعهد شناسایی کرد. البته باید توجه داشت که نگاه مثبتی به حقوق بین‌الملل، اعمال و اجرای اصل مزبور را در همهٔ زیرمجموعه‌های جزئی حوزه‌های مذکور، با مشکل مواجه می‌کند. همچنین کالیستا[۱] و پوترانتو[۲](۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی اهمیت مراعات موازین حقوقی در تجارت بین‌المللی بر اساس قوانین سازمان تجارت جهانی» ابراز می‌دارند که این مطالعه با هدف به دست آوردن اطلاعات و تجزیه و تحلیل قوانین سازمان تجارت جهانی(WTO) در مورد اهمیت احترام به قوانین در جهت افزایش حداکثری تعامل در تجارت بین‌المللی بین کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، که در آن اطلاعات و داده‌های پشتیبان در پایداری معاملات تجاری مورد نیاز است، انجام شده است. در تجارت بین‌المللی بین کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مختلفی از کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه، و کمتر توسعه یافته وجود دارد. این پیشینه تقویت قانونگذاری در تجارت کالا و خدمات را از طریق سازوکاری که به طور مشترک مورد توافق قرار گرفته و اجرا می‌شود، ترغیب کرده

---

[۱] Callista

[۲] Putranto

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

به طوری که انتظار می‌رود هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی بتواند اطلاعات و داده‌های پشتیبانی موثق و به‌روز را ارائه و به دست آورد. هدف اصلی سازوکار شفافیت، ایجاد تجارت روان کالا و خدمات و کاهش موانع مربوط به دستیابی به اطلاعات و داده‌های مورد نیاز است.

اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی

موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مفصل و پیچیده هستند که موضوعات متنوعی از قبیل تجارت کالا و خدمات، کشاورزی، منسوجات، بانکداری و مخابرات خریدهای دولتی، استانداردهای بین‌المللی و مالکیت معنوی را پوشش می‌دهند. موافقت‌نامه‌های گوناگون سازمان، مبانی و اصولی منعکس شده که بررسی اجمالی آنها در اینجا به درک صحیح از این سازمان کمک می‌کند. در مقدمه موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی، کشورهای عضو تمایل خود را برای تحقق اهداف سازمان از طریق توافقات متقابل مبنی بر کاهش قابل ملاحظه تعرفه‌های گمرکی، برطرف کردن موانع تجاری دیگر و الغای کلیه رفتارهای تبعیض آمیز در روابط تجاری بین‌المللی بیان کرده‌اند(قنبری جهرمی و زمانی، ۱۴۰۱). این اصول و مبانی که در «موافقت‌نامه‌های چندجانبه[۱]» سازمان تجارت جهانی منعکس شده عبارت‌اند از:

تضمین آزادی تجاری بین اعضا

یکی از اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی، تضمین آزادی تجاری بین اعضا است. اصل آزادی تجاری بر این مبنا استوار است که اقتصاد جهانی در مجموع از آزادی تجاری نسبت به ایجاد محدودیت‌های تجاری بیشتر سود می‌برد. از آنجا که در هر کشور تولید کالاهای خاصی در مقایسه با تولید همین کالا در سایر کشورها دارای مزیت نسبی است، تجارت آزاد به کشورها امکان می‌دهد تا از مزیتهای نسبی خود کمال استفاده را برده و بتوانند با تمرکز در تولید آن کالاها و عرضه آن در سطح بین‌المللی، کالاهای مورد نیاز خود را که در تولید آنها دارای مزیت نسبی کمتری هستند، وارد کنند. چون هزینه تولید کالا در کشورهایی که از مزیت نسبی تولید برخوردارند، پایین‌تر از سایر کشورهاست که از این مزیت محروم‌اند، کشورها می‌توانند با تمرکز در تولید و صادرات آن دسته از کالاها و خدماتی که در آن مزیت بیشتری دارند به ارز معتبر دسترسی پیدا کرده و نسبت به واردات کالاها و خدماتی که در تولید آنها مزیت نسبی ندارند اقدام کنند. مبادله این کالاها به کشورها کمک خواهد کرد تا با هزینه کمتری به کالاها و خدمات مورد نیاز خود دست پیدا کنند. افزایش تولید، استفاده بهینه از منابع اقتصادی، بهره برداری از امکانات بالقوه اقتصادی کشورها و افزایش فرصتهای شغلی از جمله نتایج تجارت ازاد و امکان رد و بدل آزادانه کالا و خدمات بین کشورهاست. تجارت جهانی نه فقط وسیله‌ای برای در دسترس قراردادن کالاها و خدمات مفیدی است که در نقطه دیگر دنیا تولید می‌شود، بلکه راهی است برای اینکه نیازهای یک کشور به دیگر کشورها منتقل شود (اخلاقی، ۱۳۹۲).

بنابراین قصد اصلی سازمان تجارت جهانی رفع موانع تجاری موجود در سطح بین‌المللی است. به این جهت سازمان تجارت جهانی، برقراری هر نوع مانع تجاری غیراز برقراری تعرفه گمرکی را ممنوع اعلام کرده است. طبق ماده ۱۱ گات ۱۹۹٤ هیچ یک از اعضا حق ندارد به جز تعرفه‌های گمرکی، محدودیت‌های دیگری نسبت به واردات و یا

[۱] multilateral agreements

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

صادرات کالاها به وجود آورد، حتی اگر این محدودیت‌ها از طریق اعمال روش سهمیه بندی برای واردات و صادرات، ممنوعیت کلی یا جزئی صادرات و واردات و یا برقراری روش اخذ مجوز باشد(ذاکری، ۱۳۹۲).

کاهش تعرفه‌های گمرکی

هرچند در سازمان تجارت جهانی، برقراری موانع تجاری ممنوع اعلام شده است، برقراری تعرفه‌های گمرکی ممنوع نشده است. از آن جهت که کشورهای عضو ممکن است عملا آزادی تجاری را با برقراری سیستم تعرفه‌های گمرکی، تحت شعاع قرار دهند و از این طریق بر آزاد سازی تجاری تأثیر بگذارند، کلیه کشورها متعهد شده‌اند که تعرفه‌های گمرکی خود را به طور قابل توجهی کاهش دهند. در راستای این تعهد عام کشورهای عضو دائما در مذاکرات دوجانبه و چند جانبه در صدد کاهش تعرفه‌های گمرکی خود هستند. در طول بیش از پنجاه سال عمر گات و سازمان تجارت جهانی این مذاکرات به نتایج مطلوبی رسیده و حجم تعرفه‌های گمرکی روز به روز کاهش یافته است. در اثر این مذاکرات، سقف تعرفه‌های تجاری کالاهای صنعتی در اوسط دهه ۱۹۹۰ به زیر ٤ درصد کاهش یافته است(شیروی، ۱۳۹۸).

هر کشوری که عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود باید علاوه بر الحاق به موافقت‌نامه‌های چند جانبه آن، وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا شده وضمن کاهش تعرفه‌های گمرکی خود، سقف تعرفه‌های خود را با سایر اعضا توافق نماید. حداکثر میزان تعرفه‌ای که ممکن است یک کشور برای یک کالا برقرار کند، در جدول تعرفه‌های آن کشور منعکس می‌شود و آن کشور حق افزایش تعرفه‌های مزبور را ندارد. بر این اساس، کشورها با یکدیگر وارد مذاکره شده و متقابلا تعرفه‌های گمرکی خود را نسبت به کالاهای یکدیگر کاهش می‌دهند. مثلاً کشور الف که تولید کننده گوشت است با کشور ب که تولید کننده پوشاک است مذاکره می‌کنند و طرفین متعهد می‌شوند که تعرفه‌های گمرکی بر گوشت و پوشاک را ۱۰ درصد کاهش دهند. این کاهش مسلما شامل اعضای ثالثی خواهد شد که تولید کننده پوشاک و یا گوشت هستند. به خاطر اینکه اعضای ثالث بدون دادن امتیاز از کاهش تعرفه‌های مزبور بهره مند نشوند کشورهای الف وب با دیگر کشورهای عضو تولید کننده پوشاک و یا گوشت مذاکره می‌کنند و از آنها درخواست می‌شود که در عوض این کاهش، آنها نیز تعرفه کالاهایی را کاهش دهند. این روند موجب مذاکرات طولانی و پیچیده‌ای خواهد شد که او ممکن است سال‌ها طول بکشد و ثانیا منجر به کاهش تعرفه‌ها در یک مقیاس بزرگ نسبت به کالاهای متعدد شود(ضیایی بیگدلی و صلحی، ۱٤۰۰).

نقش ملغی سازی کلیه تبعیض‌های تجاری

یکی دیگر از اصول بنیادی و محوری سازمان تجارت جهانی الغای کلیه تبعیضهای تجاری است. این تبعیضها به دو صورت کلی ممکن است برقرار شود. صورت اول این است که برخورد با کالاهای وارداتی از کشورهای گوناگون متفاوت باشد به نحوی که با کالای مشابه نسبت به اینکه از کدام کشور وارد شده برخورد متفاوتی صورت گیرد. مثلاً اگر کشوری تعرفه گمرکی گوشت گوساله وارداتی از اتحادیه اروپا را ۲۰ درصد و از استرالیا را ۲۵ درصد تعیین کند، این یک رفتار تبعیض آمیز است. این امر که به اصل «دولت کاملهٔ الوداد[1]» شهرت دارد در ماده ۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت(گات) ۱۹۹٤ و ماده ۲ موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات(گاتز) وماده ٤ موافقت‌نامه راجع

[1] most-favoured-nation(MFN)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری(تریپس) به صراحت پیش‌بینی شده است. این مواد با الفاظ گوناگون مقرر می‌دارند که کالاها و خدمات وارداتی از کشورهای عضو سازمان باید مشمول رفتار مشابه و یکسانی باشند و نباید به صرف اینکه کالا و یا خدمات مزبور از این کشور ویا آن کشور وارد شده‌اند از امتیازات، معافیتها و یا مساعدت‌های متفاوتی برخوردار باشند. بنابراین چنانچه عضوی امتیازات و مساعدت‌هایی را برای کالاها و یا خدمات عضو دیگری برقرار کرد، این امتیازات و مساعدت‌ها به صورت خودکار نسبت به کالاها و خدمات سایر اعضا نیز برقرار می‌شود و وارد کننده نباید بین کالاها و خدمات وارداتی از کشورهای گوناگون عضو تبعیض اعمال نماید(پالمتر[۱]، ۲۰۱۹).

با وجود این، این اصل بدون استثنا نیست. کشورهایی که نسبت به تأسیس اتحادیه‌های آزاد گمرکی اقدام می‌کنند، مثل اتحادیه اروپا، می‌توانند حسب توافقات حاصله نسبت به کالاها و خدمات وارده از سایر اعضای اتحادیه رفتار تبعیض‌آمیزی اتخاذ کنند. با کشورها می‌توانند امتیازاتی برای کالاها و خدمات وارده از کشورهای در حال توسعه مقرر نمایند. همچنین کشورهای عضو می‌توانند نسبت به محصولاتی که به صورت غیرمنصفانه(از طریق اعطای یارانه یا دامپینگ) به بازار آنها وارد می‌شود، رفتار متفاوتی داشته باشند.

صورت دوم از رفتار تبعیض‌آمیز این است که کالاها و خدمات تولید داخل نسبت به کالاها و خدمات وارداتی از امتیازات و مساعدت‌های مناسب‌تری برخوردار باشند. این نوع تبعیض نیز طبق ماده ۳ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت(گات) ۱۹۹٤ و ماده ۱۷ موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات(گاتز) و ماده ۲ موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری(تریپس) به صراحت منع شده است. این مواد با الفاظ گوناگون مقرر می‌دارند که برخورد با کالاها و خدمات وارداتی زمانی که وارد یک کشور شدند نباید دیگر با کالاها و خدمات تولید داخل متفاوت باشد. بنابراین، کشورهای عضو باید سیاست‌هایی اتخاذ کنند که به موجب آن امتیازاتی به محصولات ساخت داخل داده شود. مثلاً مالیات بر فروش کالاهای تولید داخل نسبت به کالاهای مشابه وارداتی نصف باشد. بر طبق ماده ۳ گات کشورهای عضو موظف‌اند که مطمئن شوند امتیازات و مساعدت‌های اعطایی به کالاهای وارداتی از امتیازات و مساعدت‌های اعطایی به کالاهای ساخت داخل کمتر نباشد.

شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری یکی دیگر از اصول منعکس شده در موافقت‌نامه‌های متعدد سازمان تجارت جهانی این است که اعضا باید مقررات تجاری مربوط را به صورت شفاف و روشنی منتشر کرده و در معرض دید همگان قرار دهند. سیاست‌ها و تدابیری که به وسیله کشورهای عضو اتخاذ شده و تأثیری بر تجارت دارند باید به نحو مقتضی منتشر شوند. طبق ماده ۱۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت(گات) ۱۹۹٤، کلیه قوانین و مقررات، تصمیمات قضایی و دستورالعملهای اداری که به وسیله هریک از کشورهای عضو برقرار شده و به نحوی در فروش، توزیع، حمل و نقل، بیمه، انبارداری، مونتاژ محصولات و امثال آن مؤثر باشد، باید منتشر شود. شفافیت در مقررات در ماده ۳ موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات نیز الزامی شده است(روملس[۲]،۲۰۲۰).

شفافیت در قوانین و مقررات موجب خواهد شد که تجار و شرکت‌های تجاری نسبت به شرایط اقتصادی مطمئن شده و نسبت به سرمایه‌گذاری اقدام نمایند. ثبات و قابل پیش‌بینی بودن دو اصل مهم برای توسعه و رشد اقتصادی

---

[۱] Palmeter

[۲] Banlaoi, Rommelc

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

یک کشور محسوب می‌شود و در پرتو این دو اصل سرمایه‌گذاری انجام گرفته و فرصتهای شغلی ایجاد می‌شود. طبیعتاً، قوانین و مقررات و سیاست‌های تجاری اتخاذ شده نباید با موافقت‌نامه‌های سازمان تعارض داشته باشد و همچنین میزان تعرفه‌های گمرکی هر کشور نباید از سقف مجاز آن کشور فراتر رود(آزمایش،۱۳۹٤).

توسعه و اصلاحات اقتصادی در حوزه بین‌المللی

حدود سه چهارم اعضای سازمان تجارت جهانی را کشورهای در حال توسعه و«کشورهای در حال گذر به اقتصاد آزاد[۱]» تشکیل می‌دهند. از ابتدا در گات مقررات خاصی برای کمک به کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده و به این کشورها امتیازات و معافیتهای تجاری ویژه‌ای اعطا گردیده است. از دور مذاکرات اروگوئه نقش این کشورها افزایش چشمگیری پیدا کرد. هرچند تعهدات سازمان اصولاً نسبت به کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به صورت واحد اعمال می‌شود، به کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشورهای کمتر توسعه یافته[۲] فرصت داده شده که این کشورها بتوانند در یک دوره انتقالی نسبت به اصلاحات اقتصادی اقدام و خود را با تعهدات دشوار سازمان تطبیق دهند. از طرف دیگر کشورهای توسعه یافته تکلیف یافتند که بازارهای خود را به روی کالاهای تولیدی کشورهای کمتر توسعه یافته باز کنند و به این کشورها کمک‌های فنی ارائه نمایند. یکی از مسائل مندرج در برنامه کاری مذاکرات دور دوحه، توجه به نیازها و منافع کشورهای در حال توسعه است. این برنامه در صدد است که عدم تعاد موجود در نظام تجاری بین‌المللی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توس برطرف نماید. پس از گذشت بیش از ۱۱ سال از شروع مذاکرات دور دوحه هنوز افق روشنی برای توافق نسبت به یک موافقت‌نامه جامع در خصوص کشورهای در حال توسعه وجود ندارد(پیلتن، ۱۳۹۵).

ایجاد یک رکن دائمی برای بررسی خط مشی‌های تجاری

رکن بررسی خط مشیهای تجاری» وظیفه دارد تا به طور مستمر سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده به وسیله اعضا در مورد تجارت کالا و خدمات را بررسی و مطالعه کند. این رکن موظف است تا هر چهار سال یک بار(نسبت به کشورهای عمده تجاری) و هر دو سال یک بار(نسبت به سایر کشورها) سیاست‌ها و تدابیر تجاری اعضا را بررسی کرد گزارشی در این رابطه تهیه کند. این گزارش همراه با توضیحات متبوع آن کشور منتشر شده و در دید سایر کشورها قرار می‌گیرد. سیاست‌های اتخاذی یک کشور به نحوی که در این گزارشات منعکس شده می‌تواند باعث اعتراض و یا اقدامات تلافی جویانه سایر کشورها شود. هدف از مقررات مربوط به «مکانیسم بررسی خط مشی‌های تجاری»، تضمین وفاداری اعضا به مقررات سازمان و نظارت بر انجام تعهدات تقبل شده آنها می‌باشد. این بررسی‌ها موجب خواهد شد تا مقررات و سیاست‌های تجاری یک کشور شفاف شده و درک صحیح و بی‌طرفانه‌ای از سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده از طرف یک عضو به دست آید(تائو[۳]، ۲۰۱۸).

رابطه معکوس فساد با شفافیت قراردادها در پهنه بین‌المللی

---

[۱] Countries in Transition to Market Economies

[۲] Less Developed Countries

[۳] Thow

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

شفافیت قراردادها یک خواسته و هدف تقریباً جدید است. کشورهای معدودی سیاست شفافیت قراردادها را در پیش گرفته و تمام قراردادها را به آسانی در دسترس مردم قرار می‌دهند. علاوه بر این، تعداد فزاینده‌ای از سازمان‌ها و موسسات خواستار شفافیت قراردادها هستند و در همین راستا کمپین‌های جهانی‌ای نیز ایجاد شده‌اند.از میان موسسات بین‌المللی حامی شفافیت قراردادها می‌توان به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اشاره کرد. قوی‌ترین طرفدار شفافیت قراردادها صندوق بین‌المللی پول است که آن را کلیدی برای مدیریت خوب و کارآمد منابع ملی از جمله مدیریت صنایع استخراجی مانند نفت، گاز و معدن می‌داند. همچنین برخی کشورها حمایت جدی از شفافیت قرادادها را به عنوان یک اصل کلیدی در مدیریت منابع استخراجی در دستور کار قرار داده‌اند. از جمله غنا -که صنایع نفتی نوظهور ولی در حال توسعه سریعی دارد- و لیبریا. برخی کشورها علاوه بر صنایع استخراجی، قراردادهای بخش‌های دیگر را نیز در دسترس عموم قرار می‌دهند، که برای نمونه می‌توان به ایالات متحده آمریکا، انگلستان و همچنین کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای چون تیمور شرقی، پرو و اکوادور اشاره نمود. با وجود این، هنوز کشورها و شرکت‌هایی هستند که اشتیاقی به اتخاذ سیاست شفافیت قراردادها ندارند(بارلو[1]،۲۰۱۸).

سوالی که برخی از حامیان محرمانگی مطرح می‌کنند، این است که آیا افشای قراردادها حتما منجر به قرارداهای بهتر و کاهش فساد می‌شود؟ در پاسخ به این افراد باید گفت که فارغ از تمام نتایج و دستاوردهای شفافیت، شهروندان هر کشور باید نسبت به نحوه مدیریت منابع ملی‌شان اشراف کامل داشته باشند؛ به این ترتیب اصل محرمانگی فقط درمواردی که انتشار عمومی اطلاعات موجب زیان‌های اقتصادی، امنیتی و ... باشد لحاظ می‌گردد.

اما چرا این مسئله یک حق است؟ شفافیت قراردادها پیش‌شرط ضروری برای تضمین بهرمندی تمام شهروندان یک کشور از ثروت‌های ملی مانند نفت، گاز و معدن است. چرا که شفافیت قراردادها باعث ایجاد انگیزه برای افزایش کیفیت قراردادها و مانع از پیگیری منافع شخصی و جناحی به جای منافع ملی توسط مسئولین دولتی در قراردادها می‌شود. همچنین افشای قراردادها باعث مدیریت موثرتر و هماهنگ‌تر ثروت‌های ملی توسط بخش‌های مختلف حاکمیتی می‌شود، چرا که آگاهی مردم و نهادهای مختلف حاکمیتی از جزئیات قراردادها باعث نظارت و رصد دائمی حسن اجرای قرارداد توسط آنها شده و دولت و شرکت‌ها را به عنوان طرفین قرارداد ملزم به انجام تعهدات و الزامات قرارداد می‌کند. از فواید دیگر شفافیت قراردادها می‌توان به افزایش قدرت چانه‌زنی دولت‌ها در برابر شرکت‌های طرف قرارداد اشاره کرد. زیرا معمولا شرکت‌های بزرگ به دولت‌های استعماری وابسته‌اند و یا رفتارهای استثمارجویانه را در پیش می‌گیرند؛ لذا برای نیل به منافع نامشروع خود، دولت‌های ضعیف‌تر را مجبور به بستن قراردادهای استعماری می‌کنند که در تاریخ چند سده اخیر ایران، نمونه‌های زیادی از این قراردادها مشاهده می‌شود. شفافیت قراردادها علاوه بر ایجاد یک سد قوی مردمی در برابر چنین تحمیل‌هایی، کشورهای ضعیف‌تر را از مفاد قراردادهای برد-برد بین‌المللی مطلع ساخته و قدرت چانه‌زنی آنها را افزایش می‌دهد(نصیری، ۱۳۹۶).

چرایی محرمانگی قراردادها

الف) بند محرمانگی: یکی از استدلال‌های رایج در برابر شفافیت قراردادها، وجود بند محرمانگی در قراردادهاست که مانع از شفافیت قرارداد و افشای اطلاعات آن می‌شود. برای حل این مشکل، راه‌های مختلفی وجود دارد؛ از جمله

[1] Barlow

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

اینکه دولت می‌تواند در تمام قراردادهای خود این بند را حذف نموده و با شرکت طرف قرارداد شرط بگذارد که تمام اطلاعات را منتشر کند. و یا حتی می‌توان با الزامات قانونی که از طریق مجلس ایجاد می‌شود، دولت را موظف به افشای جزئیات قراردادها برای عموم مردم کرد.

در واقع، این استدلال تنها زمانی درست است که دولت و شرکت طرف قرارداد هر دو اصرار به محرمانگی داشته باشند. گاهی دولت‌ها برای سرپوش گذاشتن به بی‌کفایتی، سوءمدیریت و فساد خود و دولت‌ها و شرکت‌های استعماری برای جلوگیری از فشار افکار عمومی ملت‌ها سعی در محرمانه ماندن قراردادها دارند. به عنوان نمونه‌ای از این قراردادها می‌توان به قرارداد ۱۹۱۹ اشاره کرد که پس از مذاکرات ۹ماهه و محرمانه وثوق‌الدوله، صدر اعظم احمدشاه قاجار با دولت انگلیس بسته شد و به محض افشا در داخل کشور، موجی از اعتراضات را برانگیخت و در نهایت، به علت فشار شدید افکار عمومی عملی نشد.

ب) وجود اطلاعات حساس تجاری: برخی از شرکت‌ها استدلال می‌کنند که قراردادها حاوی اطلاعات تجاری مهمی مثل شرایط مالی، تعهدات الزام‌آور کاری، حفاظت محیط زیست و... است و افشای آنها موجب آسیب‌های رقابتی خواهد شد. اشکال استدلال مذکور این است که بسیاری از اطلاعات مالی و تجاری شناخته‌شده است و نمی‌توان این اطلاعات را به عنوان یک راز تجاری به حساب آورد که سزاوار حمایت‌های قانونی باشد. از طرفی می‌توان فقط عنوان بندهایی از قرارداد، که باید محرمانه باشد، را در متن اصلی قرارداد آورد و تفصیل آنها را در اسناد پشتیبان قرارداد شرح داد. به این ترتیب، علاوه بر مراعات مواد قانونی قرارداد، اصل محرمانگی برخی از بندهای مهم قرارداد نیز رعایت شده است. در این نوع از قراردادها تاکید بر این است که تعداد و عناوین بندهای محرمانه در متن اصلی درج شود.

پیش‌بینی ضمانت اجراهای مالی

تاکنون مشخص شد، در نظام حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی همانند حقوق بین الملل[1]، رعایت قواعد و مقررات و پایبندی به آن ها، ضمانت اجرای مرجح در قبال نقض مفاد معاهده به شمار میرود. پیشبینی اقدامات تلافیجویانه توسط نظام حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی که آن را در موقعیتی جلوتر از حقوق بینالملل قرار داده است اگرچه فی‌نفسه مطلوب است اما نمیتواند به ویژه توسط کشورهای کوچک با اقتصاد نوپا مورد استفاده قرار گیرد؛ صرف نظر از اینکه انجام اقدامات متقابل، خود کشور را درگیر کرده و موجب تضعیف نظام قاعده محور سازمان تجارت جهانی می‌گردد. از آنجا که اعادهٔ وضع به حالت سابق همواره امکانپذیر نیست. لذا کشور زیاندیده باید بتواند خسارات وارده به خود را از عضو خاطی مطالبه نماید. از این حیث نظام حل و فصل سازمان تجارت جهانی فاقد نظامی منسجم بوده و رو یکرد آن در خصوص ضمانت اجراهای مالی با نگاه به آینده است؛ با این توضیح که نظام ضمانت اجراها تلاش م یکند تا از اقدامات خطاکارانه آتی جلوگیری کرده و نه آنکه خسارات واردهٔ فعلی را جبران نماید. علاوه بر آن، امتیازاتی که عضو خاطی به کالاها یا خدمات و یا حقوق مالکیت فکری عضو زیاندیده میدهد، در حد نظر باقی مانده و هرگز در عمل اتفاق نیفتاده است(صادقیان، ۱۳۹۹).

[1] حقوق بین‌الملل در مواجهه با اقدامات ناقض قواعد بین‌المللی، ابتدا تلاش میکند تا وضع را به حالت سابق(Restitution) برگرداند، در غیر اینصورت، راه حل جایگزین یعنی جبران خسارات (Compensation)، اجبار به انجام تعهد (Inducements to comply)، اقدامات متقابل (Countermeasure) و اعلامیهٔ دلجویی (Satisfaction) را در پیش میگیرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

صرف‌نظر از اینکه تحمیل محدودیت‌های ناشی از اقدامات تلافی‌جویانه معمولاً مرحله‌ای پس از وادار ساختن عضو خاطی به رعایت قواعد و مقررات است، این اقدامات اثری بر کاهش خسارات وارده توسط عضو خاطی به کالاها یا خدمات و یا حقوق مالکیت فکری کشور زیا ندیده چه درگذشته و چه در آینده نداشته است. بنابراین ضمانت اجراهای مالی میتواند انگیز های قوی برای پایبندی کشورها به رعایت قواعد و مقررات بدون به همراه داشتن موانع و زیانهای ناشی از اعمال محدودیتهای تجاری تلافی جویانه باشد.

عضویت در موافقتامه‌های سازمان تجارت جهانی بعنوان فاکتور گسترش روابط تجاری

بدیهی است که کشورها پس از بررسی و حصول اطمینان از توافقنامه‌ها، پروتکل و ... که سازمان تجارت جهانی در حوزه‌های اقتصادی و تجاری متولی امور آن است خواهند توانست پس از عضویت و الحاق به این سازمان(پاکدامن، ۱۳۹۸)، دستاوردهای ذیل را در عرصه‌های مختلف تجربه نمایند.

- کسب اعتبار بین‌المللی: کسب پرستیز و وجهه بین‌المللی ناشی از عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی سبب افزایش همکاری‌های اقتصادی تجاری بین‌المللی خواهد شد. واقعیت این است که بسیاری از کشورها فقط در قلمرو اعضای WTO اقدام به سرمایه‌گذاری خواهند نمود.
- تجارت آزاد، افزایش درآمد کشورها، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در نهایت رشد و ثبات اقتصادی: این یک واقعیت است که اولویت برای یک سرمایه‌گذار خارجی موضوع «امنیت سرمایه‌گذاری» و تضمین بازگشت منافع اقتصادی توسط کشور میزبان است. کشورهای عضو WTO متعهد به رعایت اصول و اعمال مقررات سازمان هستند که بصورت منطقی تضمین سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد. طبعا اعمال برخی اصلاحات در قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری در کنار عضویت کشورها در WTO رتبه ریسک پذیری سرمایه‌گذاری خارجی را بهبود خواهد بخشید. از طرف دیگر، عضویت در WTO توفیق اجباری برای آن کشور خواهد بود که طی آن اعضا متعهد خواهد شد محدودیت‌های قانونی سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، فساد گسترده، عدم حمایت دولت از سرمایه‌گذاری و.. جای خود را به سیاست‌هایی مثل تضمین سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه اقتصادی پایدار، امنیت سرمایه‌گذاری، اقتصاد قابل پیش بینی، ثبات رفتار تجاری و.... بدهد.
- جهت دهی صادراتی: ادغام در تجارت جهانی باعث ارائه طیف وسیعی از کالاها و در نتیجه دادن حق انتخاب به مشتریان خواهد شد. عضویت در WTO امتیازات تعرفه‌های گمرکی حتی صفر درصد را به کشورها اعطا می‌کند. در چنین شرایط مساوی، کشورها به سوی تولید کالاهایی می‌روند که در آن مزیت مطلق و نسبی بطور واقعی دارند.
- رفع کسری بالانس تجاری: عضویت کشورها در WTO و دسترسی به بازارهای جهانی، در صورت مدیریت صحیح، خواهد توانست خلاء موجود بین صادرات و واردات را پر و توازن تجاری هر چه بیشتر را بدنبال خواهد داشت.
- افزایش واردات کشور: یکی از مزیت‌های مهم عضویت کشورهای در سازمان تجارت جهانی و همچنین دیگر موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های ذیل آن، رفع موانع واردات در کشورها است. بطوریکه در شرایط عضویت، کالاهای تجاری بدون هیچ مانعی وارد آن کشور خواهند شد. در چنین شرایطی علاوه بر افزایش حجم تجارت، قیمت‌ها نیز در کشور کاهش داشته و درآمد ملی افزایش خواهد یافت. علاوه بر آن بازار نیز رقابتی خواهد شد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

رقابتی و تخصصی‌تر شدن صادرات: با باز شدن فضای تجارت بین‌الملل و دستیابی به بازارهای جهانی، هر کشور سعی می‌کند کالایی را تولید و مازاد آن را صادر کند که در آن مزیت مطلق یا نسبی دارد. در این صورت تجارت بین کشورها تخصصی‌تر شده و هر کشور در قبال تولید کالا، صادرات و واردات کالا را بر اساس تحلیل منافع و ضرر انجام می‌دهد. چنین وضعی سبب رقابتی‌تر شدن و تخصصی‌تر شدن فضای اقتصاد بین‌الملل می‌شود. طبعا هر کشور در صورت عضویت در WTO و نهادهای تابعه آن چنین وضعیتی را در حوزه تجارت بین‌المللی خواهد داشت.

بهره برداری از تجربیات اقتصاد جهانی: مزیت دیگر عضویت یک کشور در سازمان، انتقال آسان تجربیات و الگوهای موفق بازارهای جهانی به این کشور است. عضویت در WTO یعنی اینکه تمام کشورهای عضو به صورت مشترک به سوی پیشرفت و توسعه اقتصادی گام برداشته و از حمایت‌ها و کمک‌ها و مشاوره‌های فنی سازمان بهره مند خواهد شد. در اینصورت آن کشور می‌تواند از امکانات مشترک جهانی در راه توسعه و ترقی بهره برداری بهینه نماید. با برداشته شدن مرزهای اقتصادی تجاری بین کشورها، زمینه آموزش روش‌های موفق تولید، تجارت و الگوهای موفق اقتصادی کشورهای توسعه یافته، پیش روی کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

رشد تولید، صادرات و اشتغالزایی: الحاق به سازمان رشد صادرات کشورها را به دنبال خواهد داشت. طبعا رشد صادرات نتیجه رشد فعالیت‌های تولیدی و صنعتی کشور بوده و افزایش فرصتهای شغلی در کشور را باعث خواهد شد.

افزایش دسترسی شرکتها به بازارهای جهانی: باز شدن دروازه بازارهای جهانی، ارتقاء و رشد سطح شرکت‌ها را باعث خواهد شد. در شرایط جدید شرکتها با محیط بازاری به مراتب عظیم‌تر نسبت به بازار داخلی و منطقه ای مواجه خواهند شد. چنین شرایطی زمینه را برای تاسیس شرکتهای فراملی و جهانی فراهم می‌کند. مورد بعدی دسترسی آسانتر شرکتها به ابزار مالی و پولی بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک ترمیم و توسعه و... و منابع پولی و اعتباری جهانی در صورت عضویت کشور در WTO است. به علاوه شرکتهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی و کشورهای بزرگ و پیشرفته، در تامین مالی پروژه‌های بین‌الملل و اعطای خطوط اعتباری به این کشور نگرانی کمتری خواهند داشت. حل اختلافات حقوقی و تجاری: مزیت بعدی عضویت کشورها در WTO امکان استفاده از مکانیزم حل اختلافات حقوقی و تجاری سازمان است. طبعا این عضویت می‌تواند به رفع یا کاهش اختلافات تجاری کشور مذکور با دیگر کشورهای ثالث بینجامد(ضیایی بیگدلی و صلحی، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

ارتباطات کشورها با یکدیگر در عرصه جهانی همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان حکمرانی خوب و ابزار مبارزه با فساد دولتی و همچنین آگاهی هرچه بیشتر مردم و نهادهای غیر دولتی از تصمیم‌گیریها، سیاست‌گذاری‌ها و نحوه اجرای آن‌ها توسط دولت مردان در لایه‌های مختلف حکمرانی مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان واقع گردیده است. به همین دلیل تعاریف و مولفه‌های فراوانی برای آن بیان گردیده است. دراین میان وضوح در قراردادهای اداری، به دلیل ماهیت استراتژیک و اقتصادی این امر، چهره‌ای متفاوت خواهد داشت. شناسایی الزامات قانونی قراردادهای اداری، گاه در مفهوم روشن‌سازی قراردادها برای سایر نهادهای ذیصلاح حکومتی در جهت نظارت و پاسخگویی متقابل در کلیه مراحل شناسایی، واگذاری، انعقاد، اجرا و تسویه مالی قراردادهای اداری تعبیر می‌گردد و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

گاه به عنوان عاملی در روابط حقوقی، مالی، تجاری و اجرایی فی مابین طرفین قرارداد در راستای جلوگیری از بروز اختلافات ناشی از تفسیر متفاوت قرارداد توسط طرفین و پیشگیری از بروز ابهامات احتمالی در نقاط کور قراردادی تجلی پیدا می‌کند. بدیهی است تحدید مرزهای تجاری باید به گونه‌ای باشد که نه تنها مانع ارتقاء عملکرد و چالاکی نگردد بلکه میان منافع عمومی کشور و منافع خصوصی در راستای حفظ مفاد محرمانه قراردادهای تجاری و حفظ اصول رقابتی تعادل برقرار نماید.

لذا گفتنی است که عضویت در سازمان تجارت جهانی در واقع ورود به یک صحنه رقابتی است، صحنه رقابتی که اعضا بر اساس کارایی و توانایی خود به بازارهای مختلف دست می‌یابند و یا جای خود را به رقبای کاراتر می‌دهند. همانگونه که ملاحظه گردید، رویه سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد، این سازمان پذیرای شفافیت در حوزه معاملات و قراردادها بوده و در تمامی حوزه‌های فعالیت خود آن را مدنظر قرار داده است، به نحوی که تقریباً در تمامی موافقت‌نامه‌های این سازمان شاهد وجود مقرره‌ای پیرامون شفافیت هستیم. برخلاف رویه گات ۱۹٤۷ که در آن اصل شفافیت یکی از اصول منفعل و متروک محسوب می‌گردید. در سیاق سازمان تجارت جهانی، اصل شفافیت، نه تنها به عنوان یک اصل حقوقی لازم الاجرا پذیرفته شده و از اصول بنیادین این سازمان قلمداد گردیده است، بلکه بررسی رویه‌ها و عملکرد این سازمان نشان می‌دهد که رویکرد سازمان تجارت جهانی همواره به سوی ایجاد اسباب و عوامل لازم جهت کمک به اعمال هرچه بیشتر شفافیت است.

ارتباطات موثر در سطح نهایی خود، به نحوی کمال می‌یابد که به عنوان مبنایی جهت تغییر در ساختار این سازمان مدنظر قرار گرفته و این امکان را فراهم آورده تا بر اساس آن تلاش‌هایی جهت اصلاح فرایندهای ایجاد خط مشی‌های تجاری در سیستم داخلی اعضا، انجام گیرد. رویهٔ نهادهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی در خصوص شفافیت نیز همسو با رویکرد کلیِ سازمان تجارت جهانی تلقی می‌شود. برخلاف رویه نهاد حل اختلاف گات ۱۹٤۷ که شفافیت در آن، تنها به عنوان عاملی فرعی در نظر گرفته می‌شد، و هیچ گاه امکان تحقق آن فراهم نیامد. رویهٔ نهاد حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی، اصل احترام به قوانین و لزوم اجرای آن را به عنوان یکی از اصول بنیادین سازمان مورد تأیید قرار داده، و سبب ساز آن گردیده که دامنهٔ و سیعی از اعضا با سطوح مختلف توسعه یافتگی، نسبت به قوانین موسع سازمان جارت جهانی، به عنوان قاعده‌ای که نقض آن می‌تواند منجر به ایجاد حق رجوع به مراجع حل اختلاف گردد، توجه نشان دهند.

بررسی‌های انجام گرفته ما را به این موضوع رهنمون می‌سازد که سازمان تجارت جهانی رویکرد توسعه محوری نسبت به اصول تجاری داشته است و در این سیاق الزامات و بایدها و نبایدهای مورد انشاء این سازمان را به عنوان یک اصل حقوقی لازم الاجرا، مبدل به مرکز ثقل تمامی فعالیت‌های سازمان نموده است. لذا تا زمانیکه دولتها موانع داخلی خود را از طریق برنامه‌ریزی و همچنین فاکتورهای برون مرزی از طریق مذاکره و اتخاذ تصمیمات سیاست محوری بهینه در عرصه اقتصادی مدیریت نمایند، می‌توان به اعتلای اقتصادی و تکثیر معاملات در حوزه بین‌الملل، خوشبین بود.

منابع

شیروی، عبدالحسین.(۱۳۹۱). حقوق تجارت بین‌الملل. ویراست ۲. تهران. نشر سمت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

پاکدامن، رضا،(۱۳۹۸). رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

صادقیان، علی.(۱۳۹۹). چشم انداز دور جدید مذاکرات تجاری چند جانبه، مجله اقتصادی، دور دوم، سال اول، ص ۳۷-٤۰

اخلاقی، بهروز.(۱۳۹۲). بررسی ماهیت حقوقی بیع متقابل نفتی ایران و سازگاری آن با پیمان منشور انرژی. مطالعات حقوق خصوصی، سال چهل و سوم، شماره ۳ رتبه علمی-پژوهشی(وزارت علوم/ ISC)، ۱۳۹۲

پیلتن، فرزاد، رژیم حقوقی حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۹، ۱۳۹۵

ذاکری، مهدی، نظارت در سازمان جهانی تجارت: مکانیزم بررسی خط مشی تجاری، . مجله تحقیقات حقوقی، بهار ۱۳۹۲، شماره ٦، ۱۳۹۲

شیروی، عبدالحسین، فرحان جم، مهسا.(۱۳۹۸). قیمت گذاری دوگانه انرژی در رویه سازمان جهانی تجارت. نشریه مطالعات حقوقی»، شماره۱، ۱۳۹۸

ضیایی بیگدلی، صادق، صلحی.(۱٤۰۰). موانع فنی تجارت خارجی در ایران در پرتو حقوق سازمان تجارت جهانی. پژوهش حقوق عمومی, ۲۱(٦٦), ۱۸۱-۲۱۱، ۲۰۲۰

کدخدایی، عباسعلی، صادقی فراهانی، محمد، لهراسبی، امیر، چالش نظام حقوقی ایران در مواجهه با آثار قهری معاهدات بین‌المللی و عدم ترتب اثر حق شرط در آنها. فصلنامه دانش حقوق عمومی. سال دوازدهم. شماره ٤، ۱٤۰۲

محمد جعفر قنبری جهرمی, محمد علی زمانی.(۱٤۰۱). رویکرد سازمان تجارت جهانی نسبت به اصل شفافیت. تحقیقات حقوقی، ۲۰۱۷

نصیری.موسی.(۱۳۹٦)، بررسی الزامات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در بخش خدمات بیمه، مقاله ارائه شده در همایش « راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی‌ایران و عضویت در سازمان تجارت».

آزمایش، علی.(۱۳۹٤). آیین دادرسی بین‌المللی. دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹٤

Banlaoi, Rommelc. “The Role of Arbitration choice in the Global Campaign Disputes”. Vol.24, No.2, pp: 294-312 2022.

Barlow, P., Labonte, R., McKee, M., & Stuckler, D. Trade challenges at the World Trade Organization to national noncommunicable disease prevention policies: a thematic document analysis of trade and health policy space. PLoS medicine, 15(6), e1002590. 2018

Callista, J., & Putranto, R. D. Review on the importance of transparency in international trade based on the rules of the world trade organization. Indonesian Journal of Multidisciplinary Sciences (IJoMS), 1(2), 153-162. 2022

Palmeter, D., Mavroidis, P. C., & Meagher, N. Dispute Settlement in the World Trade Organization. Cambridge University Press. 2022

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره ۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

Thow, A. M., Jones, A., Hawkes, C., Ali, I., & Labonté, R. Nutrition labelling is a trade policy issue: lessons from an analysis of specific trade concerns at the World Trade Organization. Health Promotion International, 33(4), 561-571. 2018

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی (دوره جدید)

شماره ۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۴

The Effect of the Principles of Commercial Law on the Multiplicity of Interactions and Inclusive International Relations

Fatemeh Tahmasebi[1]

Abstract

Respecting and observing laws in the scope of legal standards related to international trade has always been considered as one of the important principles of the World Trade Organization. Examining the approach of the World Trade Organization can explain the tools and procedures that this organization has considered for the maturity and evolution of this principle. Due to the special importance of this topic, the aim of the current research will be to provide a suitable answer for this category of the effect of guaranteeing the implementation of trade laws in the realization of the goals of the World Trade Organization with the approach of governments' membership in them. It should be mentioned that the research method in this thesis is analytical-descriptive, as well as the method of collecting information in the form of library studies. The results show that in almost all the agreements of this organization, we see provisions regarding the guarantees and requirements for the implementation of laws, and in fact, the principle of adherence to the law has been an evolving and growing process, and the course of this evolution has been in a way that serves as a basis for change. It has been considered in the structure of this organization and has made it possible to make efforts to improve the processes of creating business policies in the internal system of the members. It was also explained that transparency can be the driving force of countries in increasing the volume of trade and commerce, using competition laws in accordance with international law, using the capacities to protect exclusive products and goods and their ownership around the world, and also in the event of a dispute, from The potential of the arbitration institution should also be used. Also, complying with the legal requirements of the mentioned contracts and the guarantees of their implementation will cause the governments to become members of the organizations and organizations of the World Trade Organization much more easily.

Keywords: World Trade Organization, Contract Requirements, Comprehensive Relations, International Agreements

[1] A graduate of the Master's course in the Department of Law, International Law, Azad University of Mashhad Branch - Corresponding author

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]